



همکاری‌های تهران - مسکو راهبردی است



تیتراهای امروز

دادستان تهران اعلام کرد

ثبت شکایت ۲۲۰ خانواده شهادی منا

صفحه ۴

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی درباره محصولات ترار بخفته هشدار داد

بازی با جان مردم در برنامه ششم توسعه

صفحه ۴

رئیس مجلس شورای اسلامی:

پروازهای روسیه متوقف نشده است

صفحه ۲

چگونه در رکود، رشد اقتصادی ۴/۴٪ اعلام می‌شود

جادوی آماری با

دستکاری سال پایه!

صفحه ۱۶

تداوم کنایه‌های سنگین دولتمردان به مردم

استاندار تهران:

یارانه مصیبت است!

صفحه ۱۶

یادداشت امروز

نسخه نویسی برای حاج قاسم

انزوای داوطلبانه!

دکتر زهرا طباطبائی

زمانی که دولت دکتر حسن روحانی سکون سیاست خارجی کشور را در دست گرفت، شعاری جز تلاش برای «همگرایی جهانی» با متناظر



دانستن نسبی «جهان» یا «غرب» از آن به گوش نمی‌رسید. سیاستی که «ترکیه» را الگوی ساز و کار «تعاملی» معرفی می‌کرد که موفق شده با ایجاد محبوبیت منطقه‌ای، به مرحله الهام‌بخشی در جهان برسد! ترکیه در خط تاریخی حرکت با استراتژی اتحاد و ائتلاف تاکتیکی با دشمنان اصولی، از آمریکا و ناتو گرفته تا رژیم غاصب صهیونیستی، ضربه شد. اکنون ترک‌ها در نقطه عطف درگیری با داعش، کردهای استقلال طلب، گولنیست‌های غربگرا، آوارگان سوری و بنیادگرایان سلفی دقیقاً میان تلخی حاصل از جهانگرایی و سردی ناشی از انزواطلبی، مستاصل به افق خیره شده‌اند و بدون ارتش مقتدر، آینده چندان روشنی برای آنها متصور نیست.

اماد شرایطی که چنین تجربه عبرت‌انگیزی در مقابل چشمان سکانداران فعلی دیپلماسی کشورمان رژه می‌رود، بحث‌هایی پیرامون ضرورت خلع سلاح داوطلبانه مولفه‌های درونی قدرت ایران، به گوش می‌رسد. سیاستی که نوعی انزواطلبی رسمی در عین حل تعارض با آمریکا را برای دوام نظام ضروری برمی‌شمارد و تخطی از این مسیر را مساوی با تجربه فروپاشی شوروی در دوره پس از توافق «سالت» با موضوع محدودسازی جنگ‌افزارهای راهبردی ارزیابی می‌کند. اما چرا روند مذکور به دور از واقع‌گرایی و غیرعقلانی است؟

ضرورت پایش قدرت

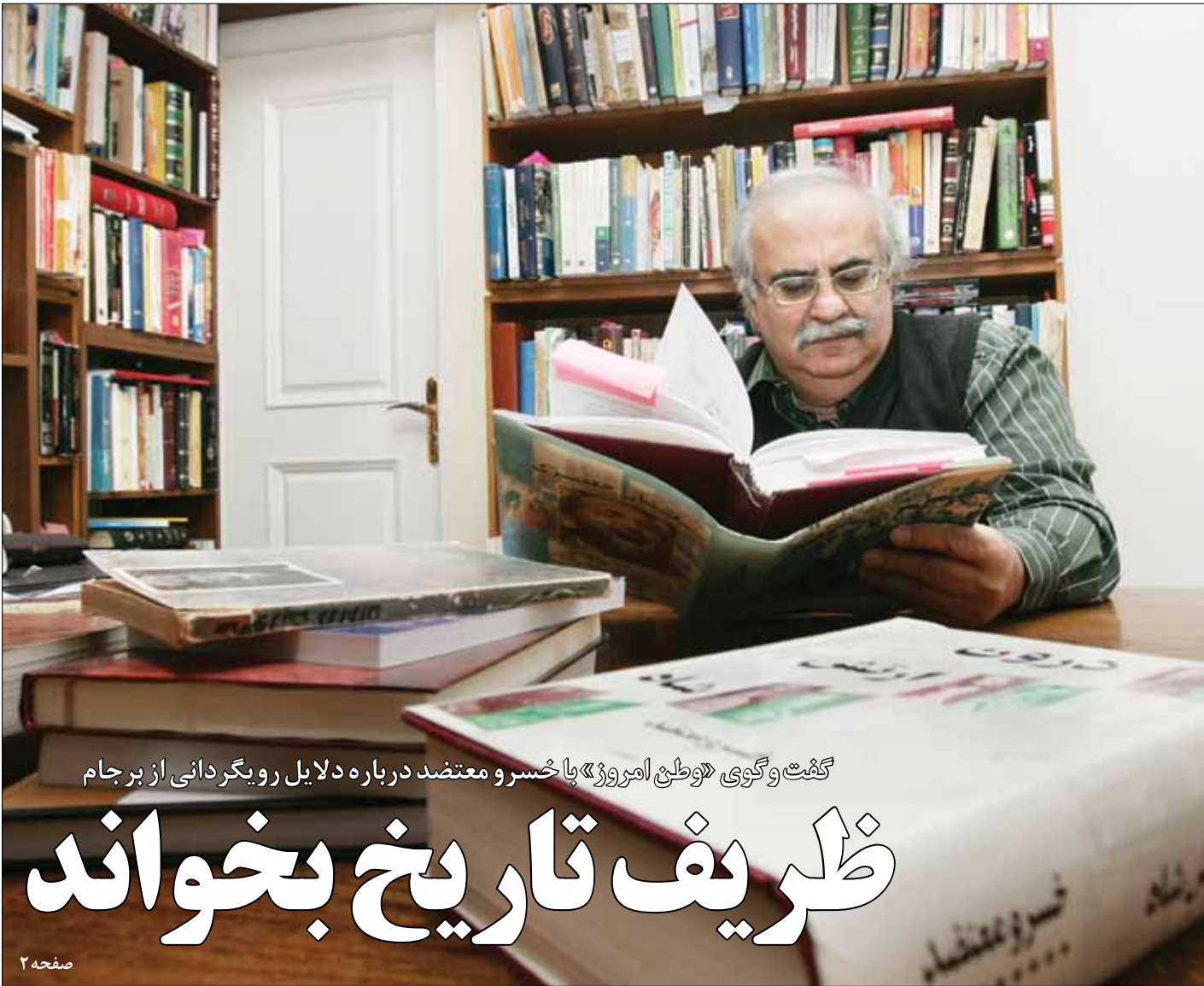
«هنری کیسینجر»، استراتژیست معروف آمریکایی، مهر ۹۳ در مصاحبه با رادیو ملی آمریکا (NPR) با اشاره به جایگاه تاریخی ایران و نفوذ این کشور در منطقه خاورمیانه، ایران را مستعدترین کشور منطقه برای ایجاد هژمونی و تشکیل یک امپراتوری قوی در خاورمیانه دانست. فارغ از اینکه اهداف حضور فعالانه ایران در منطقه غرب آسیا تا چه میزان با هدف‌گذاری مذکور مغایرت است، واقع‌گرایی و درک علل اعتراف دوست و دشمن به شرایط ایران در جهان در مرحله تبدیل از یک کشور با امکانات محدود فراملی به نیرویی موثر، غیرقابل چشم‌پوشی و توانمند در عرصه بین‌المللی، مهم ارزیابی می‌شود. تنها بدون درک این موقعیت تاریخی است که می‌توان برای ایران در آستانه ورود به باشگاه قدرت‌های جهانی، نسخه «انزواگرایی جهانی» یا «چشم‌پوشی نجیبانه از قدرت» را پیشنهاد داد و به امید تعریف نقشی منطقه‌ای توسط سایر قدرت‌ها منتظر نشست. پس برنامه‌نویسی آینده‌نگرانه برای سیاست خارجی یک کشور بدون درک سیر تکاملی نظام در مسیر قدرت‌افزایی میسر نیست.

تفسیر آینده جهان

در فضای بین‌المللی نیز به نظر می‌رسد درک واقع‌گرایانه‌ای از آینده جهان در پیش‌فرض نظریه «خلع سلاح داوطلبانه ایران» وجود ندارد. جهان مطلقاً تفسیری همه‌پذیر، در حال حرکت پرشتاب از حاکمیت تک قطبی به حکومت جهانی است. حکومتی که با به رسمیت شناختن قدرت‌های نوظهور، به تعریف نظمی جدید در مبانی بی‌نظمی فراگیر حاکم بر جهان حاکمیت ایستاده می‌دهد. از ابزارهای حاکمیت خوب یا قدرت اخلاقی بهره‌مند شود. پس جهان برای پذیرش بازیگران قدرتمند و اخلاق مدار جدید آماده است. اما آیا دخالت در تحولات منطقه برای مبارزه با شر مطلق داعش و سایر آشوب‌آفرینان در همسایگی ایران، خود متضاد با اخلاق و ناقص «قدرت اخلاقی» نیست؟

تأثیر شکست آمریکایی

اخیراً در آمریکا رویکرد انزواطلبی به علت شکست دخالت‌های نظامی این کشور در افغانستان و عراق و لیبی رشدی قابل توجه داشته است. به طور مثال اوباما در سخنرانی سسالانه خود اعلام کرد سابقه و انگیزه درگیری‌های خاورمیانه «به هزاران سال پیش برمی‌گردد». «تد کروزر» نامزد جمهوری خواهان نیز از «صدام» و «عمر قذافی» به عنوان رهبران باثبات عراق و لیبی ستایش کرد و مطلقاً نظر اوباما دموکرات اعلام کرد این جنگ ما نیست و آمریکا نباید بیرق لیبرال - دموکراسی را تا بد بر دوش بکشد.



گفت‌وگویی «وطن امروز» با خسرو و معتضد درباره دلایل رویگردانی از برجام

ظریف تاریخ بخواند

تکس و وطن امروز

صفحه ۲

لطفا با صدای هادی عامل بخوانید

دلآوری از خطه اعتدال!



چند سالی است امکانی برای ارتباط بیشتر و تفاهم فزون‌تر هم فراهم آمده به نام «ایمیل» طرفه حکایت اینجاست که در همین دولت اعتدال، آقای ظریف، اختلافات خود با جان کری را از طریق همین ایمیل حل می‌کند! حالا فکر می‌کنیم که حل می‌کند!

مثال می‌زنم؛ به لطف عنایت آقای صالحی و امثالهم، درون قلب راکتور اراک سیمان ریخته می‌شود و هزار و یک تعهد دیگر هم انجام می‌شود لیکن تحریمی لغو نمی‌شود! از اینجا به بعد، محل ورود آقای ظریف است! ایشان مراتب اعتراض ملت ایران را از طریق ایمیل به اطلاع وزیر خارجه آمریکا می‌رسانند و همه چیز در نهایت خوبی و خوشی تمام می‌شود! مثلاً! عجیب معنا کرد این «اعتدال» را برای ما دولت اعتدال! اعتدال یعنی چوپان، خودش را به آن راه بزند که از طریق ارسال چند خط ایمیل، قادر است اختلاف خود را با گرگی که می‌تواند حرف بزیم! حرف بزیم؟! اینکه وزری دولت علیه دولت صحبت کنند، دموکراسی نیست؛ هرچ و مرج است! از نعمت‌زاده چیزهایی می‌دانم اما خجالت می‌کشم بگویم! بگم؟! مسؤول تمام ثبت سفارش‌ها و واردات بی‌رویه، خود آقای نعمت‌زاده است، نه مناطق آزاد! شما می‌روید با او مصاحبه می‌کنید، او هم بدون اطلاعات برای خودش حرف می‌زند!



بنده خدا مگری صداسوسیما یک آن قصه! جناب ترکان مشغول جواب دادن به اظهارات عمومی چند روز پیش وزیر صنعت علیه مناطق آزاد است! و اینکه نعمت‌زاده بخش مهمی از قاچاق را ربط داد به نحوه عجیب و غریب مدیریت این مناطق توسط ترکان! ترکان اما همچنان مشغول سخن گفتن است! سخن گفتن که چه عرض کنم! نواختن کنسرت سمفونی اعتدال و اتحاد و ادب! و اخلاق! و تدبیر! رسماً چیزی در حد همان اعتدال! جناب اکبر ترکان! این درست که تیتراژ یک روزنامه اعتدال در المپیک «در حد اعتدال» بود اما والله یک کمی هم بالاتر از این حد، خودتان را نشان دهید، به جایی بر نمی‌خورد! من این را محض اطلاع ایشان عرض می‌کنم! فکر نمی‌دانم! سالنایی است دور و دراز که در این مملکت یک «هیأت دولت» داریم! مشتعل بر یک میز بزرگ! و چند تا صندلی! مشاوران و وزرا! آنجا دور هم می‌نشینند بلکه «عضای کابینه» به مدیریت رئیس جمهور و در جهت اصلاح امور، با هم گپوگفت داشته باشند و احياناً اختلافی هم اگر بود، همانجا موضوع را حل و فصل کنند! صرف نظر از هیأت دولت اما

نکته امروز

داعش در کجای حلب نیست!

محمدرضا کردلو



می‌پرسند داعش در کجای حلب است؟! این را این روزها مخالفان همیشگی مبارزه با تروریست‌ها در خارج از مرزهای ایران مطرح می‌کنند. برخلاف ظاهر ژورنالیستی این سوال، ایده معرفی داعش به عنوان تنها گروه مسلح و تروریست در سوریه ایده تازه‌ای نیست. رسانه‌های آمریکایی و تصمیم‌سازان ایالات متحده، از ابتدای بحران سوریه تلاش کرده‌اند با معرفی «داعش» به عنوان تنها گروه «تروریستی» حاضر در سوریه، نام گروه‌های معارض مسلح دیگری را که موجبات آوارگی میلیون‌ها سوری شده‌اند از فهرست گروه‌های تروریستی خارج کنند. عنوان گروه‌های میانه‌رو، معتدل یا چیزی شبیه این تعبیر، عنوانی نیست که اعضای گروه‌های مسلح در سوریه به عمل به آن اعتقادی داشته باشند. در واقع از ابتدا نیز گروه‌هایی مانند النصره در مشی و شیوه رفتارهای تروریستی بیشتری از داعش که نسل چهارم سلفی‌گری و تکفیر باشد، تبعیت می‌کردند. به عبارت بهتر از ابتدای بحران سوریه داعش و النصره که پیش‌تر شعبه‌های عراق و سوریه القاعده بودند، در رفتار، مشابه یکدیگر عمل می‌کردند. در خیلی از موارد حتی النصره پیشگام‌تر است. تصاویر به دندان کشیدن قلب یکی از مردم سوریه توسط یکی از تروریست‌های النصره را رسانه‌های زیادی منتشر کردند و مردم بسیاری در سراسر جهان از دیدن این تصاویر وحشت‌زده و ناراحت شدند، اگرچه داعش نیز به نوبه خود مبتکر وحشی‌گری‌های فراوانی در است. آدمکشی و قربانی کردن شهروندان سوری است. این روزها، احزاب اسلام، ائتلاف جدید جیش الفتح (النصره) و داعش تقریباً در عمل هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. در واقع همین که این گروه‌ها با عناوین اسلامی، مسلمان‌کشی را پیشه کرده‌اند و تئوری اسرائیلی نیل تا فرات و فراتر از آن تا خراسان را در داخل مرزهای اسلامی پیاده می‌کنند، نشان می‌دهد گروه‌های تکفیری و تروریستی را نمی‌توان به میانه‌رو، معتدل یا مشابه اینها تقسیم کرد. در این میان اما رفتار رسانه‌های غربگرا در حمایت از موضع آمریکا در منطقه آنقدر منجرکننده شده است که حتی برخی خبرنگاران رسانه‌های غربی نیز از این همه وقاحت درباره مخالفت برخی اصلاح‌طلبان با مبارزه با تروریست‌ها متعجب شده‌اند.